کنسرت «راما» با نگاهی متفاوت

گروه «راما» تازه‌ترین کنسرت خود را با حضور مهرداد پازوکی خواننده و نوازنده پیانو، رشید کاکاوند نوازنده سازهای کوبه‌ای و صائب کاکاوند نوازنده تار و همخوان را با عنوان «خواب آیینه» امشب(سه‌شنبه) از ساعت ۲۰ در تالار رودکی برگزار می‌کند.عنوان خواب آیینه برای این کنسرت، برگرفته از قصیده‌ای از هوشنگ ابتهاج است. این کنسرت در چهار بخش اجرا می‌شود: در بخش نخست، یادداشت‌های پراکنده (تکنوازی پیانو) ساخته مهرداد پازوکی، در بخش دوم «خواب در خواب» ساخته رشید کاکاوند، در بخش سوم «نور» ساخته صائب کاکاوند و در انتها خواب آیینه ساخته مهرداد پازوکی اجرا خواهد شد.کنسرت پیش‌رو براساس مُدگردی‌های موسیقی کلاسیک ایران توام با فضا سازی‌های خاص سازها شکل گرفته است. این اجرا با هدف پیوند عمیق‌تر شعر و موسیقی، خارج از فضاهای از پیش تکراری و نگاه جدی‌تر به موسیقی کلاسیک ایران تدوین و طراحی شده‌است.

رویکرد این گروه پیشتر بر اساس تمریناتی است که از سال ۱۳۹۸ توسط مهرداد پازوکی و صائب کاکاوند آغاز شده و حاصل این همکاری کنسرت «من چه گویم» و ضبط آلبومی با همین نام است که به زودی منتشر خواهد شد. در ادامه فعالیت‌های این گروه و با دعوت از رشید کاکاوند کنسرت خواب آیینه شکل گرفت.

جام جم
موسیقی
MUSIC
۱۱
سه‌شنبه ۹ آبان ۱۴۰۲ شماره ۶۶۲۰

گفت‌وگو با غلامرضا صنعتگر، خواننده محبوب جبهه فرهنگی مقاومت

«عموزنجیرباف» هدیه به کودکان غزه

یکی از خاص‌ترین هنرمندان موسیقی غلامرضا صنعتگر است. او از کودکی بدون آن‌که در محضر استادی برود و موسیقی تلمذ کند، ساز و آواز را با ممارست آموخت و خیلی سریع‌تر از آن‌که فکرش را بکند در صحنه موسیقی چهره شد. صنعتگر زمانی که تنها ۲۲ سال داشت به‌عنوان آهنگساز فعالیت حرفه‌ای‌اش را با قاسم افشار شروع و پس از آن به‌عنوان آهنگساز با هنرمندان مطرح آن سال‌ها همکاری کرد. شوق و علاقه، تبحر و تعهد و در کنار آنها اعتماد اساتید موسیقی به توانایی‌های او باعث شد تا خیلی زود به جمع آهنگسازان و پس از مدتی خواننده‌های مطرح کشور وارد شود، موضوعی که خودش آن را از الطاف ویژه امام‌هشتم(ع) می‌داند. به‌ویژه پس از آن‌که به‌دلیل جراحی‌های متعددی که روی معده و روده‌اش انجام شد و صدای خود را برای مدت شش‌ماه به طور کامل از دست داد و پزشکان بازگشت به گذشته را معجزه می‌پنداشتند. معجزه‌ای که پس از یک خواب به‌وقوع پیوست و سکوتش بعد از ۶۵ روز شکست. او معتقد بود شفای این بیماری و بازگشت صدایش عنایت ویژه حضرت امام‌رضا(ع) بوده است. به‌همین‌دلیل هم بخش زیادی از کارها و فعالیت‌های هنری‌اش معطوف به عرض ارادت به محضر علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) است.او این روزها تمرکزش را بر غزه قرار داده و در کمپین‌ها و مراسم‌های مختلف سعی می‌کند به نوعی صدای درد آنها باشد. صفحه این هفته موسیقی را به غلامرضا صنعتگر، خواننده مطرح کشورمان اختصاص دادیم.

قبل از آن‌که وارد بحث اصلی شویم برای مخاطبان جام‌جم بگویید که غلامرضا صنعتگر چطور خواننده شد؟

در ابتدا باید بگویم که خوشبختانه یا متأسفانه من شاگرد هیچ استادی نبودم و سازهایی که می‌نوازم را خودم یاد گرفتم. البته این ویژگی به‌نوعی در میان هنرمندان خطه جنوب کشور باب است. اولین سازی که خریدم ملودیکا بود. به خاطر دارم پول توجیبی‌هایم را جمع کردم و آن را خریدم. چون خانواده با ساز و موسیقی کلا مخالف بودند یواشکی به پشت‌بام می‌رفتم و در آن گرمای سوزان بندرعباس زیر پتو تمرین می‌کردم. هرچند بعد از مدتی پدرم فهمید و آن ساز را شکست. ساز دیگری خریدم و باز هم پدرم آن را شکست. مایوس نشدم و آن‌قدر به تلاشم ادامه دادم تا مقام اول مسابقات کشوری را کسب کردم و همین حرکت، نگاه پدرم را به کار موسیقی من تغییر داد. او به‌عنوان هدیه برایم بهترین ساز آن زمان را خرید و استارت کار حرفه‌ای من زده شد. در دوران نوجوانی، بعد از خریدن آن ساز توسط پدرم، انگیزه‌ام چندین‌برابر شد. به همین دلیل کاری با نام «بندر نازنینم» ساختم که اولین بار از رادیو پخش شد. بعد از آن به تهران آمدم. ۲۳-۲۲ ساله بودم. در تهران اولین آهنگسازی‌ام را برای آقای قاسم افشار انجام دادم و بعد از آن پنج قطعه برای آلبوم «گم‌گشته» آقای مجید اخشابی آهنگسازی کردم. در سال ۱۳۸۳ نخستین آلبومم را با نام «شیک‌وپیک» روانه بازار موسیقی کردم و این آغاز حضورم در موسیقی به شکل حرفه‌ای بود.

این روزها حادثه غزه و ظلم و جفایی که رژیم صهیونیستی به مردم بی‌گناه آن منطقه وارد می‌کند جامعه اسلامی را با شوک عمیقی روبه‌رو ساخته و هرکس به‌نوعی در تلاش برای دفاع از حقوق این مردم است. در حوزه هنر شما جزو هنرمندان فعال بودید. چرا احساس می‌کنید ورود به این حوزه برای یک هنرمند لازم است؟

مسأله غزه و کشتار بی‌رحمانه و ظلم و ستمی که به مردم این منطقه وارد می‌شود بی‌شک از اهمیت ویژه‌ای در جهان برخوردار است و همه آزادیخواهان به انحای مختلف سعی می‌کنند به‌نوعی صدای اعتراض آنها باشند. برای من هم این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چون اولا مردم غزه انسان‌های بی‌گناه و مظلومی هستند که به‌دلیل ستم مستکبران جهان و دفاع از حق الهی خود در بدترین شرایط قرار گرفته‌اند و لازم است فکری برای آنها کرد. بی‌شک این وضعیت رقت‌بار قلب هر انسان آزاده‌ای را به درد می‌آورد. مسأله مهم دیگر این است که مردم غزه مسلمان هستند و به عقیده من در برابر این جنایت، سکوت یک مسلمان خیانت به قرآن است و در آخر طبق فرمایش رهبر عزیزمان، قضیه فلسطین کلید رمزآلود گشوده‌شدن درهای فرج به روی امت اسلامی است و همه دنیای اسلام باید مسأله فلسطین را مسأله خود بدانند تا در سایه تحقق وعده‌های الهی، فلسطین به ملت فلسطین برگردد و دولت واحد فلسطینی به انتخاب همه فلسطینیان سراسر کشور خود را اداره کند.

> **همه دنیای اسلام باید مسأله فلسطین را مسأله خود بدانند تا در سایه تحقق وعده‌های الهی، فلسطین به ملت فلسطین برگردد و دولت واحد فلسطینی به انتخاب همه فلسطینیان سراسر کشور خود را اداره کند**

ملت فلسطین برگردد و دولت واحد فلسطینی به انتخاب همه فلسطینیان سراسر کشور خود را اداره کند. همین دلایل به نظر کفایت می‌کند تا هرکس به هر شیوه‌ای صدای رنج مردم غزه باشد.

این روزها شاهد مراسم و کمپین‌های متعددی از سوی هنرمندان چه در ایران و چه در سایر کشورها هستیم. به عقیده شما آیا این برنامه‌ها می‌توانند تاثیری بر روند جنگ در غزه داشته باشد؟

مطمئنا این‌گونه است. در این زمانه رسانه‌ها نقش بی‌بدیلی در همه امور دارند و اطلاع‌رسانی برگزاری این‌گونه کمپین‌ها و مراسم‌ها، طرفداران را از موضع هنرمندان نسبت به یک واقعه مطلع می‌کنند. به عبارت بهتر، یک هنرمند به‌عنوان یک رهبر فکری می‌تواند طرفدارانش را نیز با خود برای واکنش به یک حادثه همراه کند که نتیجه آن همسوکردن گستره زیادی از مردم علیه کشور متخاصم است. به عبارت بهتر، هرکسی به سهم خود باید برای نشان‌دادن مظلومیت مردم غزه و اقتدار جبهه مقاومت قدمی بردارد، هنرمند هم با توجه به دامنه مخاطبانش می‌تواند تاثیر بسزایی داشته باشد و از این فرصتی که خدا به واسطه هنرش در اختیارش قرار داده شرایط را تبیین کند. هر هنرمندی در حوزه تخصصی خود با تولید آثارش می‌تواند صدای مردم مظلوم غزه باشد. از نقاشی در سبک‌های مختلف، عکاسی، هنرهای تجسمی تا موسیقی و شعر و... همه تاثیرگذارند و خدا را شکر اقدامات بسیار خوبی نیز در این ایام افتاده است.

به‌عنوان یک هنرمند که سال‌هاست در تراز اول موسیقی کشور فعال هستید تاثیر موسیقی را در ایجاد یک شور برای حمایت از مردم غزه چقدر مفید می‌دانید؟

موسیقی به کلام جان می‌دهد و به احساسات مردم زندگی می‌بخشد و چه کسی می‌تواند ادعا کند زندگی را دوست ندارد؟! به باور من همه انسان‌ها با موسیقی زندگی می‌کنند و خداوند حکیم نیز روی همه اجزای کائنات، موسیقی بی‌نظیری قرار داده است. موسیقی زبان ناگفته‌هاست، موسیقی در جوشش و خروش قلب‌های پاک و ذهن‌های بیدار بالاترین محرک است. موسیقی می‌تواند شور بیافریند، وحدت‌بخش باشد و همصدایی و همدلی را فریاد بزند.

> **مردم غزه مسلمان هستند و به عقیده من در برابر این جنایت، سکوت یک مسلمان خیانت به قرآن است و در آخر طبق فرمایش رهبر عزیزمان، قضیه فلسطین کلید رمزآلود گشوده‌شدن درهای فرج به روی امت اسلامی است**

در میان آهنگ‌های نوستالژی شما بی‌شک قطعه مقاومت «قاسم هنوز زنده است» نمود ویژه‌ای دارد، ترکیبی از غم، حماسه، دلیری، هیجان و امیدواری، که با شنیدنش غمی توام با سربلندی احساس می‌شود. توجه به اسطوره‌ای که تمامی آزادیخواهان به او و تلاشش افتخار می‌کنند، امتیاز ویژه برای شماست. چه شد که در کنار آثارتان به فرمانده مقاومت نیز توجه کردید؟

ایشان اسطوره معاصر زندگی من بود. حاج‌قاسم سلیمانی پهلوان و قهرمان تاریخ‌ساز، دلاوری بی‌ریا و انسانی تمام‌عیار و کامل بود. ایشان شخصیتی است که در حیات و ممات خود تاثیرگذار و نافذ است. ایران امروز ما واقعا به وجود افرادی شبیه ایشان که مرد عمل و آیینه تمام‌نمای شرافت و صداقت و وطن‌دوستی باشند نیاز دارد.

آهنگی نیز برای غزه ساخته و اجرا کردید. کمی هم درباره آن بگویید.

قطعه‌ای به‌نام «عموزنجیرباف» را برای کودکان غزه خوانده‌ام که در گردهمایی هنرمندان حامی فلسطین در موزه هنرهای معاصر خواندم. آهنگسازی این اثر را خودم انجام داده‌ام و تنظیم آن با دکتر محمدرضا چراغعلی و شعر از دکتر علیرضا قزوه است.

به‌عنوان یک هنرمند مهم‌ترین خواسته یا سفارشی که در مسیر حمایت از مردم و هنرمندان غزه دارید چیست؟

غالب مردم که انصافا در همه شرایط وظایف انسانی و اخلاقی و دینی خود را خیلی خوب انجام می‌دهند، امیدوارم هنرمندان و افراد تاثیرگذار هم به شایستگی بتوانند صدای مردم دردکشیده غزه باشند و بی‌تفاوت از کنار این غم و رنج بزرگ رد نشوند.

برای شنیدن آهنگ «عموزنجیرباف» کیوآرکد را اسکن کنید

برش

هنری که با دل شکل گرفت

باید بگویم که خوشبختانه یا متأسفانه من شاگرد هیچ استادی نبودم و سازهایی که می‌نوازم را خودم یاد گرفتم. البته این ویژگی به‌نوعی در میان هنرمندان خطه جنوب کشور باب است. اولین سازی که خریدم ملودیکا بود. به خاطر دارم پول‌توجیبی‌هایم را جمع‌کردم و آن را خریدم. چون خانواده با ساز و موسیقی کلا مخالف بودند یواشکی به پشت‌بام می‌رفتم و در آن گرمای سوزان بندرعباس زیر پتو تمرین می‌کردم. هرچند بعد از مدتی پدرم فهمید و آن ساز را شکست. ساز دیگری خریدم و باز هم پدرم آن را شکست. مایوس نشدم و آن‌قدر به تلاشم ادامه دادم تا مقام اول مسابقات کشوری را کسب کردم و همین حرکت، نگاه پدرم را به کار موسیقی من تغییر داد. او به‌عنوان هدیه برایم بهترین ساز آن زمان را خرید و استارت کار حرفه‌ای من زده شد. در دوران نوجوانی، بعد از خریدن آن ساز توسط پدرم، انگیزه‌ام چندین‌برابر شد. به‌همین‌دلیل کاری با نام «بندر نازنینم» ساختم که اولین بار از رادیو پخش شد. بعد از آن به تهران آمدم. ۲۳ ـ ۲۲ ساله بودم. در تهران اولین آهنگسازی‌ام را برای آقای قاسم افشار انجام دادم و بعد از آن پنج قطعه برای آلبوم «گم‌گشته» آقای مجید اخشابی آهنگسازی کردم. در سال ۱۳۸۳ نخستین آلبومم را با نام «شیک‌وپیک» روانه بازار موسیقی کردم و این آغاز حضورم در موسیقی به شکل حرفه‌ای بود.

عطیه عیار | نویسنده و مترجم

جشن هندوانه

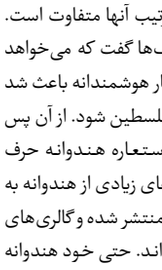

بعد از تظاهرات گسترده در فرانسه علیه اسرائیل و حمایت دولت پاریس از این رژیم، فرانسه استفاده از پرچم فلسطین را ممنوع کرد. اما از آنجا که هرچه را سیاستمدارها ممنوع کنند، بین مردم محبوب‌تر می‌شود(!)، فرانسوی‌ها دست به‌کار شدند و روشی قدیمی را برای نشان دادن پرچم فلسطین انتخاب کردند: خوردن هندوانه!

تظاهرات به صرف هندوانه

ماجرا از آنجا شروع شد که اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی و پس از شکست اعراب در جنگ شش روزه، اسرائیل استفاده از پرچم فلسطین را در مناطق فلسطینی‌نشین ممنوع کرد. حتی هنرمندان هم در آثار هنری خود اجازه کشیدن پرچم فلسطین را نداشتند. این ممنوعیت حدود ۲۵ سال ادامه داشت. اما فقط احمق‌ها هستند که فکر می‌کنند با این منع‌کردن‌ها می‌توانند باعث فراموشی هویت یک ملت شوند؛ ملتی که بعد از ۷۵ سال هنوز کلید خانه‌های آوارشده اجدادشان را دارند، ملتی که چند نسل است در اردوگاه‌های خارج از سرزمین‌های اشغالی به دنیا آمده‌اند اما هنوز خود را فلسطینی می‌نامند، چطور ممکن است از پرچم‌شان دست بکشند؟

تم زندگی، هندوانه

روزی سلیمان منصور، نقاش فلسطینی را به‌علت همراه داشتن چهار رنگ سیاه، قرمز، سفید و سبز دستگیر کردند. این رنگ‌ها به‌دلایل مذهبی و قومیتی در پرچم بسیاری از کشورهای عربی هست. فقط ترتیب آنها متفاوت است. سلیمان منصور در توجیه آن رنگ‌ها گفت که می‌خواهد نقاشی از هندوانه بکشد. این ابتکار هوشمندانه باعث شد هندوانه تبدیل به نماد مقاومت فلسطین شود. از آن پس هنرمندان فلسطینی بسیاری با استعاره هندوانه حرف خود را می‌زدند. نقاشی‌ها و طرح‌های زیادی از هندوانه به جای فلسطین اشغالی در اینترنت منتشر شده و گالری‌های نقاشی با این مضمون برگزار شده‌اند. حتی خود هندوانه خوردن هم تبدیل به کنشی اعتراضی شد. فلسطینی‌ها در مقابل صهیونیست‌ها هندوانه پاره می‌کردند و به آنها نشان می‌دادند. معلوم نیست تا به‌حال چند صهیونیست به مردم عادی به‌دلیل خوردن هندوانه حمله کرده‌اند. شاید هم هندوانه برایشان تبدیل به میوه‌ای مکروه شده باشد. در نهایت پس از انتفاضه اول در ۱۹۸۷، نقاشی هندوانه هم ممنوع شد.

هندوانه مجازی

نماد هندوانه در فضای مجازی هم کارکرد مقاومتی خود را حفظ کرد. در جریان حمله سال ۲۰۲۱ اسرائیل به غزه، فیسبوک محدودیت‌های شدیدی در استفاده از ایموجی پرچم فلسطین اعمال کرد. کاربران فلسطینی با اقتدا به نقاش مبتکر خود، از هندوانه برای نشان دادن ملیت و سمت و سوی خود استفاده می‌کردند.

هندوانه در سازمان ملل

در شرایطی که تمامیت ارضی ایران، هر روز از جانب اسرائیل و با کمک به تجزیه‌طلبان در معرض خطر است، در دورانی که هر گروهی برای خودش پرچم و نقشه‌ای ارائه می‌دهد و رسانه‌های مکتوب و آنلاین صهیونیستی هم به آنها ضریب می‌دهند، در روزگاری که برخی افراد برای مخالفت با حکومت وقت، حاضرند پرچم انگلیس و آمریکا و تجزیه‌طلبان را بر دوش بیندازند، مردمی رانده‌شده و آواره در قلب خود به‌وجود یک کشور واحد معتقدند و با همه وجود پرچمشان را مقابل چشم‌ها نگه می‌دارند؛ به حدی که بعد از این همه کش‌وقوس، تازه سال ۲۰۱۵ در مقر سازمان ملل برافراشته شد.

«فصلِ با بارانِ ما» تماشایی می‌شود

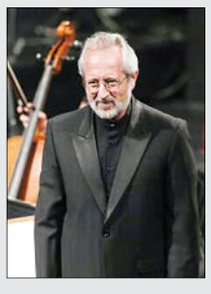

تازه‌ترین کنسرت ارکستر ملی ایران روز جمعه دوازدهم آبان به رهبری ارکستر همایون رحیمیان و تکنوازی مسیح تحویلداری در تالار وحدت تهران پیش روی مخاطبان قرار خواهد گرفت.ارکستر ملی ایران از مجموعه‌های تابعه بنیاد فرهنگی هنری رودکی ساعت ۲۱و۳۰دقیقه شامگاه جمعه دوازدهم آبان تازه‌ترین کنسرت خود را به رهبری ارکستر همایون رحیمیان و همراهی گروه کر بنیاد رودکی به رهبری رازمیک اوحانیان در تالار وحدت تهران برگزار می‌کند.در این کنسرت که با عنوان «فصل با باران ما» اجرا می‌شود، آثاری از هنرمندان پیشگام موسیقی ایرانی از جمله علینقی وزیری، روحا... خالقی، حسین دهلوی، فریدون شهبازیان، همایون رحیمیان و امیرحسین طابی آهنگساز جوان با تکنوازی تار مسیح تحویلداری پیش روی مخاطبان قرار می‌گیرد.ارکستر ملی ایران ۲۰ مهر نیز با اجرای قطعاتی از برترین آهنگسازان موسیقی کشورمان تازه‌ترین کنسرت خود را در تالار وحدت برگزار کرد. در این کنسرت نیز قطعاتی از جواد معروفی، حسین دهلوی و روحا... خالقی با تکنوازی سنتور علی عابدین اجرا شد.

«چون تو بیایی» با دکلمه ژاله علو منتشر شد

تک‌آهنگ کلاسیک «چون تو بیایی» با دکلمه بانو ژاله علو، آهنگسازی و خوانندگی مجتبی صفارهرندی منتشر شد.

قطعه کلاسیک چون تو بیایی از آلبوم «افسانه و افسون» با آهنگسازی و خوانندگی دکتر مجتبی صفارهرندی و دکلمه بانو ژاله علو گوینده، شاعر و بازیگر پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون با تنظیم ایلیا منفرد منتشر شد و از هم اکنون از تمامی رسانه‌های معتبر موسیقی در دسترس است.این اثر یکی از قطعات آلبوم افسانه و افسون این خواننده است که پیش از این در دسترس مخاطبان قرار گرفته بود.

آرش صمیمی (نی و فلوت)، پیام طونی (ویولن، ویولن آلتو)، امید حاجیلی (ترومپت)، سامان اتفاق (کلارینت)، مهدی حیدر (کیبورد، پیانو)، فرید قاسمی (دف،دمام، طبلا)، ایلیا منفرد (گیتار کلاسیک، آکوستیک، الکتریک و باس)، ایلیا منفرد و حسین پرنیا (ناظر ضبط)، مجید فلاح‌پور و امیرعباس تفرشی (صدابردار) همکاران این آلبوم موسیقی بودند.

کیوآرکد را اسکن کنید

سرود حماسی «طوفان الاقصی» منتشر شد

نخستین نماآهنگ باشگاه سرود حماسی سیمرغ حوزه هنری خراسان رضوی درباره طوفان‌الاقصی منتشر شد.این اثر محصول مشترک گروه‌های سرود «رویش انتظار» و «کریمان» است که شعر آن را محمدحسین ملکیان سروده و سیدصادق آتشی آهنگسازی و امید علوی تنظیم آن را به عهده داشته‌اند.

کیوآرکد را اسکن کنید